یادداشتها و اندیشه ها

امین، سید حسن

سی خاطره

خاطرات استاد علی اصغر حکمت که بیشتر در مجلهء خاطرات چاپ شده بود اینک به‏ صورت کتابی مستقل بنام‏"سی خاطره‏"در شمار منشورات سازمان چاپ و انتشارات وحید طبع و نشر شده است با مقدمه‏یی از مشاهیر رجال ادب و سیاست است و بیش از نیم قرن در کارهای سیاسی و فرهنگی دخیل و مؤثر بوده سی خاطرهء او خواندنی است و مشتمل بر اخبار دست اول بقلم یکی از شهود عینی قضایا در عهد حکومت رضا شاه پهلوی.

از معایب کتاب یکی این است که کتابی بدین کمیت و کیفیت از فهرست اعلام و فهرست‏ موضوعی خالی است نقص دیگر کتاب آن است که نامه‏هایی که در رد و نقض اظهارات جناب‏ حکمت به دفتر مجله وحید رسیده بود و در مجله خاطرات درج شده،در این نسخه نیامده است.

دکتر غنی و حافظشناسی

آقای دکتر رضا براهنی استاد سابق دانشکدهء ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران‏ که تقریبا ده سال پیش مقالتی در مجله فردوسی نوشته بود و طی آن آثار ادبی افاضلی‏ چون سید حسن تقی‏زاده،محمد قزوینی،و دکتر قاسم غنی را سخت نکوهیده،البته بین‏ آن افاضل متقدم چون تقی‏زاده،قزوینی،و غنی این فاضلان متأخر چون دکتر براهینی‏ از جهات سیاسی و اجتماعی اشتراک و اتحادی نیست اما خلط قضایا نیز درست نیست. اگر دکتر براهنی،جهت‏گیری سیاسی-اجتماعی فی المثل تقی‏زاده و دکتر غنی را خوش‏ ندارد حساب این کار را از ارزش علمی و ادبی ایشان جدا باید برسد.من همان هنگام در پاسخ دکتر براهنی و تمجید آثار و مطالعات دکتر غنی در باب حافظشناسی شرحی نوشته‏ که در مجله فردوسی چاپ شد.(عنوان مطلب این بود:دکتر غنی را دست‏کم نگیرید،او پیشوای نقد ادبی است‏".شماره و نشانه مجله را بیاد ندارم).

(\*\*\*)برنده جایزهء علمی دانشگاه گلاسکو(انگلستان،1977)

اکنون در تأیید این نظر نکته‏یی در مجله نگین دیدم که فاضل جلیل آقای دکتر محمد علی اسلامی ندوشن طی مصاحبه‏یی آثار دکتر غنی را ستوده اظهار کرده‏اند که کتب‏ غنی‏"باب تازه‏یی در حافظشناسی گشود"(نگین،شمارهء 140،دی 2535).

یاسا نه یاسائی

آقای محمد علی طاهری در تذکره شعرای دامغان که چندین سال پیش از این بطبع‏ رسانیده‏اند.و من نسخه آن را وقتی که در شهر دامغان بخدمت قضا مشغول بودم دیدم‏ بیتی از عارف‏نامه ایرج میرزا را به غلط خوانده‏اند و بر اثر آن استنتاجی نادرست کرده‏ شعر ایرج میرزا خطاب به عارف قزوینی این است:

مکن اصلا سخن از نظم و یاسا ز شر معدلت خواهی بیاسا

یاسا همان قانون است و یاسای چنگیزی معروف.

آقای طاهری‏"نظم و یاسا"را"نظم یاسا"خوانده‏اند و آن را اشارت به اشعار مرحوم یاسائی شاعر دامغانی پنداشته.آنچه ثابت است ایرج در این قسمت از عارف‏ نامه مخاطب خود عارف را از قانون دوستی و عدالت‏خواهی پرهیز داده است نه از آثار منظوم شاعری یاسا تخلص که هیچ‏گونه ارتباطی با این موضوع ندارد.شعر ایرج‏ این است:

تو این کرم سیاست چیست داری؟ چرا پا بر دم افعی گذاری؟ مکن اصلا سخن از نظم و یاسا ز شر معدلت خواهی بیاسا سیاست‏پیشه مردم حیله سازند نه مانند من و تو پاکبازند تماما حقه‏باز و شارلاتانند بهرجا هرچه پاش افتاد آنند من و تو زود در شرش بمانیم‏ که هم بی‏دست و هم بی‏دوستانیم

جزجام

روزی که روم از اینجهان با دل تنگ‏ گردون زندم شیشهء هستی بر سنگ‏ بر تربت من کسی نگوید جز جام‏ در ماتم من کسی ننالد جز چنگ

\*\*\* خواجوی کرمانی